



فصل فرهنگی
حجّت‌الاسلام والمسلمین حسین ابن‌اهلبی

محبت دائمی

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز درباره پیامبران الهی و به‌خصوص پیامبر اعظم، موضوع ازدواج‌های ایشان و برخوردشان با همسرانشان بوده است. پیامبر خدا^(ص) تا وقتی که حضرت خدیجه^(ص) زنده بودند، همسر دیگری نداشتند و جمالت زیادی از ایشان در تجلیل شخصیت حضرت خدیجه وجود دارد، از جمله جایی در وصف ایشان فرمودند: «پروردگار، بهتر از او را به من نداده است». بعد از ایشان نیز مطالب زیادی در باب علت و حکمت ازدواج‌های بعدی پیامبر و ریزبینی و دقت ایشان در رعایت حق آن‌ها و برقراری عدالت مدنظر دین در بین آن‌ها موجود است. یکی از دستوره‌ای دینی ما برای شاد کردن افراد، به‌خصوص در حیطه خانواده، هدیه دادن است که در فضای مشاوره به‌منظور رفع کدورت‌ها و تحکیم خانواده، بسیار بر آن تأکید می‌شود. درمورد پیامبر خدا در معارف ما آمده است که امام صادق^(ع) فرمودند: «رسول اکرم^(ص) هرگاه در روز عید عطری به‌دست می‌آورد، ابتدا آن را به همسرانش می‌داد». خود ایشان در حدیثی می‌فرمایند که برای همسران خود هدیه تهیه کنید. همچنین این هدیه دادن را به فرزندان توصیه می‌فرمودند و با ظرافت‌های خاصی در این باره بیان می‌کردند: «اول به دختران بدهید، سپس به پسرها. آن که دختر بچه خود را مسرور کند، پاداش آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را دارد و آن که دیده پسر بچه خود را روشن کند، مانند شخصی است که از خوف خداوند گریسته باشد و پاداش گریه از خوف خداوند، بهشت برین است». یکی از جذابیت‌های اخلاقی پیامبر در برخورد با خانواده، این است که ایشان به‌عنوان والاترین فرد عالم هستی، رفتار پادشاه‌گونه در منزل نداشتند، بلکه مانند یک فرد عادی، کارهای خود را انجام می‌دادند و در کارهای منزل به همسران خود یاری می‌رساندند. درمورد ایشان گفته شده است پیامبر^(ص) پس از فراغت از کارهای بیرونی و اجتماعی، در کارهای خانه به همسرانشان کمک می‌کردند. حضرت، لباس‌های خود را واریسی و کش خود را اصلاح می‌کردند. گوسفندان را می‌دوشیدند و برای رفع نیازمندی‌های همسرانشان تلاش می‌کردند. گاهی نیز خانه خویش را جارو می‌زدند. حیوانات را واریسی می‌کردند و شتر را به‌جای خودروانه می‌ساختند. در سایر کارهای داخلی منزل کمک می‌کردند و مکرر می‌فرمودند: «کمک به همسر در کارهای منزل، صدقه و احسان در راه خداست». اسود گوید: «از عایشه پرسیدم که رسول خدا^(ص) در خانه چگونه است؟» گفت: «در خدمت کردن به خانواده خویش، کوشاست و هنگام نماز از خانه بیرون می‌رود و مانند انسان‌های دیگر جامه خود را می‌شوید». عروه‌بن زبیر گوید: «کسی از عایشه پرسید که آیا پیغمبر^(ص) در خانه کار می‌کند؟» گفت: «آری، کش هایش را تعمیر می‌کند و جامه‌اش را می‌دوزد. همان‌گونه که شما کارهای خود را در منزل انجام می‌دهید، او هم کارهایش را انجام می‌دهد». اینکه خدای تعالی درمورد پیامبر خود تعبیر «اسوه نیکو» را در قرآن مجید به کار برده است، درباره مباحث خانوادگی و رفتار ایشان در خانواده هم کاربرد دارد که از خود ایشان نقل شده است: «بهترین شما، بهترین برای خانواده و همسرانتان هستید و من از همه شما در این زمینه بهترم». از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را از پیروان حقیقی پیامبر بزرگ اخلاق در رفتار نیک با خانواده قرار بدهد. ان شاءا...!

حکم استخاره

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۰۷۲۸۹۰۳۰۰ با ما در میان بگذارید.

● **سؤال:** آیا هنگام سردرگمی‌های زندگی و داشتن سؤال‌های متعدد و نگرانی‌های آینده، می‌توان به استخاره یا افرادی که سرکتاب باز می‌کنند، مراجعه کرد؟

● **پاسخ تفصیلی**

در قرآن کریم سفارش زیادی به خردورزی و بهره گیری از عقل شده است و از نظر قرآن مجید، بدترین موجودات کسانی هستند که کارهایشان از روی تعقل نیست. از نظر امام علی^(ع)، یکی از علل مهم بعثت پیامبران ، شکوفاسازی عقل‌های آدمیان بوده است. تکیه بر عقل و استفاده از این چراغ روشنی بخش تا آن درجه از اهمیت برخوردار است که در شرع مقدس نیز یکی از منابع استنباط احکام به‌شمار می‌رود. در آموزه‌های دینی بر عوامل دیگری که در تصمیم‌سازی خردمندانه دخیل اند و عقل را در حقیقت یابی و شفاف‌اندیشی مدد می‌رسانند، تأکید فراوان شده است که مهم‌ترین آن‌ها «مشورت» است. مشورت که همان اندیشه جمعی است، بسیاری از گره‌های کوری را که عقل فردی قادر به گشودن آن‌ها نیست، به راحتی می‌گشاید. با مشورت، نقص عقل فردی تا حدود زیادی جبران می‌شود و مجموعه‌ای از اطلاعات و تجربیات گران‌بها که دیگران در طول سال‌های بسیار بدان دست یافته‌اند، به‌آسانی دردسترس قرار می‌گیرد.

اما بسیار اتفاق افتاده است که انسان پس از تفکر و مشورت، بازهم در تردید و شک و دودلی به‌سر برده است. در اینجا عقل و شرع توصیه می‌کنند به مشورتی دیگر دست بزنیم؛ مشورت با عقل بی نهایت و آگاه مطلق به مسائل هستی، همان که به نیک و بد بندگان آگاه است و خیر و صلاح همگان را می‌خواهد. این نوع مشورت، همان چیزی است که در فرهنگ اسلامی «استخاره» نام دارد. استخاره یعنی خواستن بهترین امر، بهترین را خواستن، طلب خیر کردن، نیکویی جستن و به همین دلیل هر قدر صفای روحی و باطنی شخص استخاره کننده بیشتر باشد، ضریب اطمینان به استخاره، بیشتر و مخالفت با استخاره او مشکل تر، بلکه غیرممکن خواهد بود.

البته برای استخاره دو معنا وجود دارد؛ یکی معنای حقیقی استخاره است که در اخبار و روایات ما بیشتر از آن نام برده شده است و به معنای طلب خیر کردن از خداوند است. این نوع استخاره درواقع یکی از رشته‌ها و شاخه‌های دعاست و همان استخاره مطلق است که اختصاص به مورد شک و تردید ندارد، بلکه درواقع

استمداد از خدای متعال در جمیع کارها و تمام افعال زندگی و واگذاری کارها به اوست، بنابراین امام صادق^(ع) از قول خدای متعال نقل می‌کنند: «از بدبختی بنده من، آن است که کاری از کارهایش را بدون استخاره طلب خیر) از من انجام دهد، بنابراین طبق روایات فراوان، این نوع استخاره برای رفع تحیر و سرگردانی نیست، بلکه در همه مراحل، یک کار خوب و پسندیده و راهگشاست. معنای دوم استخاره، طلب خیر کردن از پروردگار برای رفع تحیر و سرگردانی است که به مواقع شک و تردید اختصاصی دارد.

درباره جایگاه استخاره به معنای دوم در فرهنگ دینی ما، باید گفت اساسا سه دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاهی که بدون کوچک‌ترین تعقل و تفکر و بررسی یک مسئله، نتیجه کارها را فقط به استخاره واگذار می‌کند و به استخاره پناه می‌برد.

ب) دیدگاه دوم، دیدگاه گروهی است که اساسا عقلگرا و منکر استخاره هستند.

ج) اما دیدگاه سوم، با اعتراف به منزلت و جایگاه عقل و شناخت جایگاه مشورت، به گونه‌ای استخاره را تبیین می‌کند که عین خردورزی و در راستای تعقل و تفکر است. طبق این دیدگاه، هیچ مانع و محذور دینی در استخاره نیست؛ چون استخاره کاری جز تعیین یکی از دو طرف تردید، انجام نمی‌دهد، نه حلالی را حرام، نه غیر واجب را واجب می‌کند و نه حکمی از احکام خدا را تغییر می‌دهد، بلکه فقط و فقط می‌گوید خیر صاحب استخاره در انجام یا در ترک کدام امر است و بدین وسیله او را از تردید نجات می‌دهد، ولی اینکه اثر فعل و ترک کار در آینده چه خواهد بود و چه حوادثی را به‌بار خواهد آورد، از عهده استخاره بیرون است. در روایات زیادی به استخاره و روش‌های اجرایی آن اشاره شده است.

بنابراین، در مواقعی که انسان بعد از تفکر و تعقل و مشورت با افراد متخصص و کاردان، سردرگمی و تحیرش برطرف نشود، می‌تواند با استخاره (مشورت با خداوند) تصمیم بگیرد و از تحیر و سرگردانی خارج شود.

اما درمورد سرکتاب باز کردن، اگر منظور از آن همان استخاره باشد، حکم آن بیان شد، ولی اگر مراد از آن چیز دیگری باشد، توجیهی برای آن وجود ندارد.

استاد تاریخ اسلام در گفت‌وگو با شهرآرا تشریح کرد

حجةالوداع

دری به سوی حیات طیبه

حجةالکمال

ولایتی که مقدم است

آمنه مستقیم|حجةالوداع یا حج پایانی عمر بابرکت پیامبر اکرم^(ص)، آموزه‌ها، مواریث و آثاری داشته است که در آن زمان و مکان، محصور و محدود نمانده، بلکه دامنه این آثار در تاریخ، استمرار یافته و بشرا بهره‌مند کرده است. در بررسی مهم‌ترین برکت و اثر این حج با حجت الاسلام والمسلمین جواد سلیمانی، استاد تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی^(ره)، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌آید.

● **حجةالوداع آخرین حج رسول خاتم^(ص) در سال پایانی عمر مبارک ایشان بود و پس از آن پیامبر^(ص) در ماه صفر سال یازدهم هجری رحلت کردند. در جریان این حج که امت مسلمان از قبایل مختلف و سراسر جهان اسلام همچون یمن، سرزمین حجاز، شهرهای مختلف جزیره العرب و سرزمین‌های فتح شده حضور داشتند، رسول خدا^(ص) آخرین و مهم‌ترین بخش از رسالت خویش یعنی معرفی ولی خدا و جانشینان خویش را به انجام رساندند تا امت پس از آن وجود مقدس، بی‌رهبر و راهنما و امام نماند.**

● **در بازگشت از این حج و در منطقه‌ای به نام غدیر که حجاج سرزمین‌های مختلف از یکدیگر جدا می‌شدند، حضرت رسول^(ص) دستور به توقف دادند. برپایه برخی اقوال، حدود ۱۲۰ هزار حاجی در منطقه غدیر حضور یافتند و پیامبر^(ص) بر بلندای جهاز شتر رفتند و در خطبه‌ای که در روز ۱۸ ذی القعدة خواندند، از حجاج پرسیدند: «چه کسی بر جان‌های شما نسبت به خودتان مقدم است؟» و آن‌ها پاسخ دادند: «خدا و رسولش بهتر می‌دانند». سپس پیامبر^(ص) فرمودند: «خدا بر جان‌های شما مقدم است!، این یعنی اگر تصمیمی از جانب خدا و نبی^(ص) درباره مسلمین گرفته شود، تمکین و اطاعت از آن بر امت واجب است، حتی اگر بذل جان در راه اسلام باشد. این یعنی ولایتی که خدا و رسول^(ص) بر مسلمین دارند، بر ولایت خودشان اولی است و این مطلق است و در همه امور فردی، عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی و مهم‌تر از همه جان، صدق می‌کند.**

● **فلسفه این ولایت و اولویت، آن است که خدا و رسول^(ص) او خبر امت و مردم را بهتر از خودشان، هم می‌فهمند و هم می‌خواهند و این منطق ولایت الهی است؛ همان‌طور که پدر بر فرزند ولایت دارد و خیر او را می‌خواهد. مهم آن است که این ولایت در بالاترین سطح و درجه، به خدا و پیامبر^(ص) تعلق دارد. سپس حضرت رسول^(ص) فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاَ، هر که من چنین ولایت و سرپرستی‌ای را بر او دارم، علی بن ابیطالب^(ع) ولی و امام اوست».**

رابطه ولایت

و مردم سالاری

● **اگرچه در آن روز و در منطقه غدیر، این ولایت را مسلمانان پذیرفتند و تک تک حجاج حاضر با امام علی^(ع) بیعت کردند، بعد از رحلت رسول خدا^(ص) (این حق را از امیرالمؤمنین^(ع) غصب کردند و گفتند: «ما باور داریم که پیامبر^(ص) از جانب خدا به رسالت مبعوث شده است اما پس از ایشان به مولای الهی باور نداریم، و این چنین، ولایت علی بن ابیطالب^(ع) را رد و امر انتخاب ولی را به مردم (رأی اکثریت) واگذار کردند و با این غصب و نادیده گرفتن وصیت پیامبر^(ص)، مردم سالاری غیردینی را بر امت اسلام تحمیل کردند.**

● **خط سیری که پیامبر^(ص) در حجةالوداع برای معرفی وصی و جانشین خود و ولی الهی ایجاد کردند، در روز غدیر به اوج رسید و دین را کامل کرد: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» ایشان با این اعلان، تصریح کردند که اگر دین، ولی و مجری و مفسر نداشته باشد، در معرض استحاله، تحریف و کم‌اثر و بی خاصیت شدن قرار می‌گیرد و نمی‌تواند منجی بشر باشد، اما اگر ولایت الهی به آن ضمیمه شود و مبین، مجری و مبلغ دین باشد، به بدنه و بطن جامعه وارد می‌شود و حیات طیبه‌ای را که قرآن مجید از آن سخن به میان آورده است، برای بشر تأمین و هدف غایی خلقت را محقق می‌کند.**

استمرار

افق‌گشایی پیامبر^(ص) در تاریخ

● **نکته مهم این است؛ مسیری که پیامبر^(ص) در حجةالوداع و در غدیر گشودند، در زمان و مکان محصور نماند، بلکه در طول تاریخ استمرار و گسترش یافت و بشر هنوز هم از موهبت و نعمت ولایت الهی بهره‌مند است. رسول خدا^(ص) فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنَّ أَحَدَهُمَا يَهْمَا لَنْ تَضِلُّوا: کتاب!... غَزْوُ جَلْ و أَهْلُ بَيْتِي عِثْرَتِي، من در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم که اگر آن‌ها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند».**

● **پیامبر^(ص) در غدیر درباره جانشینان خود تا امام دوازدهم^(عج) سخن گفتند. این خط سیر در عصر غیبت هم با جریان ولایت‌فقیه استمرار یافته است. مهم آن است که نقطه پایان خط ولایتی که در غدیر آغاز شد، انتهای عالم است. وقتی ولایت در عصر غیبت امام عصر^(عج) هم ادامه دارد، زمینه بقای مکتب تشیع و حیات سیاسی شیعه، فراهم می‌شود و تداوم حکومت‌های شیعی، ساخت تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای طلوع خورشید عظمای ولایت را رقم می‌زند.**